هواللّه

طهران

بواسطهٴ آقا محمّد علی از اهل ک

احبّای الهی کاشان و قمصر و مازگان عموماً علی‌الخصوص جناب آقا محمّد علی و آقا سیّد عبدالرّحیم قمصری و آقا سیّد صادق و آقا سیّد نصراللّه و آقا ماشآءاللّه و آقا میرزا عبدالحسین و آقا مانده‌علی و جناب کدخدا و آقا رمضانعلی و آقا حسین ظهیر و آقا محمّد هاشم کاشی و اخویشان آقا محمّد و آقا محمّد ابراهیم و آقا محمّد باقر و علیجان و آقا رضا و آقا خواجه ربیع کلیمی و آقا فرج‌اللّه بیک و سائر یاران الهی علیهم بهآء اللّه الأبهی

هواللّه

ای یاران عبدالبهآء جناب فروغی مکتوبی ارسال نمود و ذکر اسماء آن یاران دل و جان نمودند چون نامه گشودم و نامهای مبارک دوستان را ملاحظه نمودم نفحهٴ خوشی وزید و حالت پر روح و ریحانی دست داد که این نامهای فدائیان جمال ابهاست و عنوان عبودیّت بندگان درگاه کبریا زیرا قلب عبدالبهآء بیاد دوستان جمال کبریا بوجد و سرور آید و تسلّی کامل جوید ای یاران الهی وقت جانفشانیست و زمان وفای بالطاف جمال رحمانی آن دلبر مهربان با جمال یوسفی جلوه ببازار امکان نمود گهی در چاه زندان افتاد و گهی اسیر زنجیر حسد اخوان شد روزی در اقلیم مازندران دستگیر عوانان گشت یومی در آن کشور در مجمع جهلای قوم بهزار گونه جفا و شکنجه و بلا گرفتار گشت وقتی در ارض طاء در زیر سلاسل و اغلال و زندان بی‌امان جفاکاران افتاد و روزی سرگون به عراق گردید و یومی هدف صدهزار سهام اهل نفاق شد و چند سال در کوهسار کردستان فرداً وحیداً مظلوماً بی سر و سامان بود و چندی از عراق نفی بمدینهٴ خونکار شد سنینی چند در ارض سرّ مغضوب طائفتین گردید عاقبت در نهایت مظلومیّت با هزار گونه مشقّت سرگون باین سجن اعظم شد جمیع ملل عالم با سهم و سنان هجوم بر آن مه تابان نمودند و کلّ فرق غرب و شرق تعرّض بآن مظلوم آفاق کردند امم پیشینیان چه کردند و حزب بیانیان چه نمودند و اخوان جفاکاران چه روا داشتند و آن مظلوم آفاق سینهٴ مبارکش هدف جمیع این سهام تا آنکه از ذروهٴ ناسوت بمرکز لاهوت و جهان ملکوت صعود فرمود دمی راحت جان نیافت و آسایش وجدان نجست هیچ صبحی شادمان نبود و هیچ شامی آزاد از ظلم عوانان نگشت حال ما که بندهٴ آن آستانیم و عبد ذلیل آن درگاه چگونه بیاسائیم و بیارمیم و محفل بیارائیم و راحت و آسایش بطلبیم این شرط وفا نباشد بلکه باید دم بدم پرجوشتر شویم و مانند نهنگ دریای عشق خروش برآریم هر بلا را راحت کبری دانیم و هر عذاب را عذب فرات شماریم جفا را وفا بینیم و دُرد را صفا شمریم مختصراً در سبیل محبّتش هر بلیّه و هر مصیبت را عین موهبت دانیم بنشر نفحات کوشیم و اثبات آیات بیّنات کنیم بخلق و خویش تأسّی نمائیم و از نورانیّت جمال دلجویش اقتباس کنیم اگرچه ما چه‌ئیم و که‌ئیم قطره را چه راهی بدریای نامتناهی و ذرّه را چه سبیلی بکوکب جلیل نورانی ولکن قطره چون اهتزاز یابد تأسّی بامواج بحر نموده و ذرّه چون در شعاع آید جلوهٴ وجود نماید هذا مقامنا و شأننا

 پس ای احبّای الهی بیائید تا دست در آغوش یکدیگر نمائیم و از حافّین حول عرش گردیم و بتبتّل و تضرّع و انقطاع و انجذاب و اشتعال تحقّق بعبودیّت عتبهٴ مقدّسه یابیم تا نفحات قدس تنزیه و تقدیس و روحانیّت الهیّه و محویّت وجود و خضوع و خشوع عالم امکان را معطّر نماید و علیکم التّحیّة و الثّنآء

 ای احبّای الهی در امور مشورت نمائید و از یکدیگر رأی طلبید آنچه که از شور درآید مجرا دارید خواه موافق فکر و رأی شما باشد خواه نباشد زیرا معنی شور اینست که آنچه را اهل شور موافق بینند مجرا دارند و حکمت را در جمیع موارد ملاحظه داشته باشند زیرا حکمت از نصوص صریحهٴ کتابست و علیکم التّحیّة و الثّنآء ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر